



سرشناسه:	ابراهیمی پور، قاسم، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	روش در علوم اجتماعی از دیدگاه پوزیتیویسم، مکتب تفهیمی و فلسفه اسلامی / قاسم ابراهیمی پور.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۲۶۳ ص.: جدول.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۹۶۲-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتابنامه .
موضوع:	دورکم، امیل، ۱۸۵۸ - ۱۹۱۷م؛ Durkheim, Emile
موضوع:	وینچ، پیتر، ۱۹۲۶ - م؛ Winch, Peter
موضوع:	طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- نقد و تفسیر
موضوع:	فلسفه و علوم اجتماعی؛ اثبات‌گرایی؛ جامعه‌شناسی اسلامی
موضوع:	فلسفه اسلامی
شناسه افزوده:	جامعه المصطفی ﷺ العالمية.
رده بندی کنگره:	مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
رده بندی دیویی:	۱۳۹۴ الف/۲۹ B۶۳
شماره کتابشناسی ملی:	۱۰۳
	۴۰۴۴۲۱۵

#### حق چاپ برای ناشر محفوظ است

روش در علوم اجتماعی از دیدگاه پوزیتیویسم، مکتب تفهیمی و فلسفه اسلامی  
 مؤلف: قاسم ابراهیمی پور  
 چاپ اول: ۱۳۹۴ش / ۱۴۳۷ق  
 ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ  
 ● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۳۰۰ نسخه

باسپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

#### مواکز بخشش

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸، تلفکس: ۰۲۵ - ۳۷۸۳۹۳۰۵/۹  
 قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶. فکس: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۴۶  
 قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸. تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۴۰۲

pub.miu.ac.ir miup@pub.miu.ac.ir

روش در علوم اجتماعی  
از دیدگاه پوزیتیویسم، مکتب تفهیمی و  
فلسفه اسلامی

قاسم ابراهیمی پور



مرکز بین المللی  
ترجمه و نشر  
المصطفی ﷺ

## سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ رحمته‌الله العالمیة» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی رحمته‌الله «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ رحمته‌الله» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ رحمته‌الله

## فهرست

کلیات.....	۹
مفاهیم کلیدی.....	۱۷
علم.....	۱۷
علوم اجتماعی.....	۲۰
فلسفه علم.....	۲۲
فلسفه علوم اجتماعی.....	۲۵
روش‌شناسی.....	۲۶
۱. مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی دورکیم، وینچ و علامه.....	۳۱
اثبات‌گرایی.....	۳۱
مراحل دستیابی به قانون از دیدگاه اثبات‌گرایان.....	۳۴
امیل دورکیم (۱۹۱۷ - ۱۸۵۸).....	۳۹
۱. مبانی هستی‌شناختی دورکیم.....	۳۹
۲. موضوع علوم اجتماعی از دیدگاه دورکیم.....	۴۲
۳. مبانی معرفت‌شناختی دورکیم.....	۴۴
۴. روش‌شناسی دورکیم.....	۴۷
۵. مبانی انسان‌شناختی دورکیم.....	۵۲
۶. نقد دورکیم.....	۵۸
مکتب تفهمی.....	۶۱

- پیتر وینچ (- ۱۹۲۶) ..... ۷۶
۱. مبانی هستی‌شناختی وینچ ..... ۷۶
  ۲. موضوع علوم اجتماعی از دیدگاه وینچ ..... ۷۸
  ۳. ماهیت رفتار منطقی ..... ۸۲
  ۴. مبانی معرفت‌شناختی وینچ ..... ۸۳
  ۵. تفاوت علوم طبیعی و علوم اجتماعی از دیدگاه وینچ ..... ۸۶
  ۶. روش از دیدگاه وینچ ..... ۹۱
  ۷. مبانی انسان‌شناختی وینچ ..... ۹۳
- واقع‌گرایی انتقادی صدرایی ..... ۹۷
- علامه طباطبایی (۱۳۶۰ - ۱۲۸۱) ..... ۹۸
۱. مبانی هستی‌شناختی علامه طباطبایی ..... ۹۹
  - الف) تقسیم موجودات و عوالم ..... ۱۰۰
  - ب) سطوح پدیدارها ..... ۱۰۱
  - ج) اعتباریات ..... ۱۰۴
  - د) اصالت فرد یا جامعه ..... ۱۰۶
  ۲. مبانی معرفت‌شناختی علامه طباطبایی ..... ۱۰۹
  ۳. منابع و ابزار معرفت ..... ۱۱۲
  - الف) حس ..... ۱۱۳
  - ب) عقل ..... ۱۱۴
  - ج) خیال و وهم ..... ۱۱۵
  - د) شهود و مکاشفه ..... ۱۱۶
  - ه) وحی ..... ۱۱۷
  - و) حدس و الهام ..... ۱۱۷
  - ز) نقل ..... ۱۱۸
  ۴. رابطه منابع معرفتی با یکدیگر ..... ۱۱۹
  ۵. طبقه‌بندی علوم از دیدگاه علامه ..... ۱۲۰
  ۶. مبانی انسان‌شناختی علامه ..... ۱۲۲
  - الف) وحدت نوعی ..... ۱۲۲

۱۲۳	..... (ب) حقیقت انسان
۱۲۴	..... (ج) اجتماعی بودن انسان
۱۲۵	..... (د) انسان موجودی هدفدار
۱۲۶	..... (ه) انسان موجودی آسایش‌جو
۱۲۷	..... (و) مهار افزون‌خواهی انسان
۱۲۹	..... ۲. نظریه، عناصر و ارکان آن
۱۳۱	..... عناصر نظریه
۱۳۲	..... ۱. مفاهیم
۱۴۶	..... ۲. قضایا
۱۵۴	..... مبانی نظریه
۱۶۴	..... ارکان نظریه
۱۶۴	..... ۱. آزمون‌پذیری
۱۶۸	..... ۲. تبیین
۱۶۹	..... ۳. پیش‌بینی
۱۷۱	..... ۳. انواع نظریه
۱۷۳	..... نظریه‌های تجربی
۱۷۵	..... نظریه‌های عقلی
۱۷۸	..... ۱. نظریه انقلاب
۱۸۰	..... ۲. نظریه کنش
۱۹۵	..... ۳. نظریه‌های برخاسته از شهود
۱۹۸	..... الف) نظریه نظم
۱۹۹	..... ب) نظریه تضاد
۲۰۰	..... ج) سنت‌های الهی
۲۰۳	..... ۴. نظریه‌های انتقادی
۲۰۵	..... ۵. نظریه‌های هنجاری
۲۰۷	..... سطوح نظریه
۲۱۰	..... گام اول: تفسیر رفتار معنادار
۲۱۲	..... گام دوم: بررسی هدف کنش

- گام سوم: بررسی شایستگی اعتباریات برای دستیابی به اهداف ..... ۲۱۳
- گام چهارم: تبیین پیامدهای تکوینی کنش ..... ۲۱۴
- گام نهایی: تأویل پدیده‌های اجتماعی ..... ۲۱۹
- نتیجه‌گیری ..... ۲۲۳
- کتابنامه ..... ۲۵۳



## کلیات

### مقدمه

در طول تاریخ، بشر برای تبیین و توضیح پدیده‌های طبیعی و اجتماعی نظریه‌های گوناگونی پدید آورده است که شروع این نظریه‌پردازی را یونان باستان می‌دانند. این دوره با سقراط (متوفای ۳۹۹ پ.م.) آغاز می‌شود و با شاگردش افلاطون، و پس از آن ارسطو در آتن ادامه می‌یابد. مرکز علم پس از مدتی به اسکندریه منتقل می‌شود و تا قرن چهارم حیات علمی آن می‌باید، اما در سال ۵۲۹ میلادی به دستور امپراتور روم شرقی مدارس علم و فلسفه در آتن و اسکندریه تعطیل شدند و چراغ فلسفه در این منطقه خاموش شد. در این دوره، فلسفه اسم عامی برای همه علوم حقیقی که به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شد.<sup>۱</sup>

بعد از آن در شرق، فارابی و ابن سینا پس از آموختن افکار فلسفی، نظام فلسفی جدیدی پی ریختند که افزون بر افکار افلاطون، ارسطو، نوافلاطونیان اسکندریه و عرفای شرق، دربرگیرنده اندیشه‌های جدیدی نیز بود اما به علت

---

۱. مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۲۶ و ۲۷.

اقتباس فراوان از ارسطو، فلسفه ایشان صبغه ارسطویی و مشایی داشت. پس از آن سهروردی با بازیینی نقادانه غزالی، بغدادی و رازی، مکتب اشراق را بنیان نهاد که بیشتر صبغه افلاطونی داشت. سرانجام قرن‌ها بعد صدرالدین شیرازی، ایستاده بر شانه‌های که بر دوش مشائیون، اشراقیون، طوسی، دوانی، دشتکی، بهایی و میرداماد با ترکیب فلسفه مشاء، اشراق و مکاشفات عرفانی طرحی نو در فلسفه در انداخت.<sup>۱</sup> این مکتب تا عصر حاضر زنده و پویا است؛ فیلسوفانی چون علامه طباطبایی رحمته‌الله از نظریه‌پردازان این مکتب بود.

برخی معتقدند در مکاتب فلسفی نامبرده، تبیین پدیده‌های طبیعی و اجتماعی بیشتر با قیاس<sup>۲</sup> است؛ در این شیوه پدیده اجتماعی جزیی از کل است و تبیین آن نیز به یاری اصول کلی ممکن می‌شود.<sup>۳</sup> در این شیوه علم کل‌گرا، و عاجز از پیش‌بینی است و بیش از آن‌که عالم را به تغییر جهان توانا سازد، وی را در تفسیر آن یاری کند و بیش از آن‌که به کشف قوانین (روابط میان پدیده‌ها) شوق نشان دهد، به پرده‌برداری از ماهیات متمایل است.<sup>۴</sup> به سخن دیگر در این دوره به طبیعت پدیده اکتفا می‌شد و از توجه به بستر و شرایط واقعی آن و همچنین تعامل آن با دیگر پدیده‌ها چشم‌پوشی می‌شد.<sup>۵</sup>

این دیدگاه درباره شیوه قدیم اشتباه است؛ زیرا هیچ‌گاه روش تعقلی محض در مسائل تجربی کارایی ندارد. فلاسفه قدیم نیز با روش تجربی ارزش آشنا بودند، فقط ابزارهای آنان بسیار کم و ناقص بوده است؛ نوشته‌اند ارسطو باغ بزرگی داشت و خود به آزمایش درباره گیاهان و حیوانات

---

۱. همان، ۳۰ و ۳۱.

## 2. Deduction.

۳. رفیع‌پور، ۱۹، ۱۳۶۰.

۴. سروش، ۱۳۶۹، بیست و دو.

۵. همان، بیست و هفت.

می پرداخت.<sup>۱</sup> او با آزمایش حیوانات علم زیست‌شناسی را پی ریخت. همچنین مطالعه او در پوست تخم مرغ و مراحل مختلف رشد جوجه و کنش‌هایی همچون این او را واضع علم جنین‌شناسی کرد.<sup>۲</sup> نمونه دیگر آزمایش‌های بوعلی در طب و خواص داروهای گیاهی است کرد. بر این اساس توجه بیشتر به روش برهانی در این مکتب به علت غفلت از روش تجربی و استقرا نبوده بلکه علت آن درک عمیق دانشمندان این دوره از روش تجربی و اشکالات وارد بر آن و اعتقاد آنها به عدم دستیابی به یقین علمی بر اساس این روش بوده است. برای نمونه بوعلی هیچ‌گاه نتایج تجربه را کلی مطلق نمی‌انگاشت و همواره تذکر می‌داد که تنها نتیجه تجربه کلی مشروط به ظروف و احوال تجربه و مقید به قید لولالمانع است.

اگر سقمونیا در روستای افشنه مسهل صفراست و مشاهده، بارها این امر را تأیید کند، نمی‌توان این حکم را در روستای بیهق هم صادق و نافع تصور کرد. از این‌رو، تجربه فقط به سبب تکرار مشاهدات مفید علم نیست بلکه به کمک قیاس علم‌آور است. تجربه مفید علم کلی قیاسی و مطلق نیست بلکه مفید کلی مشروط است. در این شیوه، اگر یقین غیرمشروط و کلی غیرمقید تجربی هم به دست آید، از تجربه نیست و منبع دیگری دارد.<sup>۳</sup> بر این پایه فلاسفه چند قرن زودتر از تجربه‌گرایان به این کاستی‌های استقرا آگاه بوده‌اند و آن را منبع مناسبی برای نظریه‌سازی نمی‌دانستند. از این‌رو، روش برهانی را برجسته می‌کردند که می‌تواند از مقدمات تجربی هم بهره ببرد.

در قرن سوم هجری (نهم میلادی)، ده قرن پیش از آگوست کنت،

---

۱. مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ۸۱.

۲. دوران، ۱۳۷۴، ۶۷.

۳. بوعلی، ۱۳۸۶، ۲۷۵.

فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ ه. ق) علمی جدید برای مطالعه جامعه پی ریخت بی آن که تأسیس آن را از خود بداند. او در تحصیل السعادة<sup>۱</sup> عبارت «العلم الانسانی» را به کار می برد و می گوید:

انسان در مسیر تکامل، نیازمند زندگی اجتماعی است. از این رو او را حیوان مدنی نامیده اند.

در این جا علم دیگری پا می گیرد؛ علم بررسی و مطالعه مبادی عقلانی، افعال و خاستگاه های تکامل انسان. فارابی این علم را علم انسانی یا علم مدنی نامید. او ویژگی های این علم را در فصل پنجم از کتاب احصاء العلوم بیان، و در کتب دیگر خود همچون آراء اهل مدینه فاضله و سیاست مدینه به تفصیل در این باره بحث می کند. از نظر فارابی علم مدنی به مطالعه رفتار، منشا رفتار، هدف رفتار، ملکات شایسته، شیوه های اصلاح رفتار، شرایط پایداری رفتار و پیامدهای رفتار می پردازد.

پنج قرن پس از او ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ ه. ق) العبر را می نویسد. او در مقدمه آن کتاب علم عمران را بنیان نهاد و درباره آن می نویسد:

در میان دانش ها، روش و اسلوب آن را آشکار کردم و دایره آن را در میان علوم توسعه بخشیدم و گرداگرد آن را دیوار کشیدم و اساس آن را بنیان نهادم.<sup>۲</sup>

او سوگند یاد می کند که این علم را او وضع کرده است: و سوگند یاد می کنم که من آگاه نشده ام هیچ کس در مقاصد این سخن براند.<sup>۳</sup>

پنج قرن پس از ابن خلدون، آگوست کنت (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷) در اروپا

---

۱. تحصیل السعادة، ص ۴۶، ذیل عنوان العلم المدنی.

۲. ابن خلدون، ۱۳۶۹، ۹.

۳. همان، ۷۰.

طرح علمی جدید را در انداخت. وی ابتدا این علم را فیزیک اجتماعی نامید تا تأکید کند این علم درباره چستی جهان اجتماعی مطالعه می‌کند، اما در نهایت، به ناگزیر واژه ترکیبی لاتینی-یونانی Sociology را برگزید؛ به معنای جامعه‌شناسی.<sup>۱</sup> او به پیروی از تجربه‌گرایی قرن هفدهم این علم را بر پایه روش‌های متداول علوم تجربی طبیعی در آن دوره بنیان نهاد و علم را بسیار بالاتر از دین و فلسفه نشاناد. او دین را خرافه، و فلسفه را مهمل خواند. دورکیم مکتب فلسفی کنت را پی گرفت و آراء او بر جوامع علمی سایه افکند اما دیری نپایید که با نقدهای فراوانی رو در رو شد.

در همان زمان ویلهلم دیلتای به تفاوت علوم طبیعی و علوم اجتماعی توجه کرد و مکتب تفهمی را پی ریخت و ماکس وبر آن را پیش برد. وینچ نیز با یاری از آراء فلسفی ویتگنشتاین دوم آن دیدگاه‌ها را تکمیل و ترمیم کرد و بیشتر برد؛ حرکت کاروان علم در این جا ختم نشد و در مغرب زمین مکاتب فراوان دیگری همچون پدیدارشناسی، مکتب انتقادی، پراگماتیسم و رئالیسم انتقادی و نظریه‌های پساتجدد فوکو، لیوتار و دریدا سر بر آوردند.

در مشرق زمین نیز با علم در چهارچوب رویکردهای مختلف فلسفی، عرفانی، فقهی، تاریخی، تفسیری، کلامی و حدیثی به حرکت خود ادامه داد و مسیری دیگر را پیمود که البته با علم غربی تعامل پر فرازونشیبی نیز داشته است. برای نمونه بیت‌الحکمه در سال ۲۱۷ هجری قمری برای ترجمه علوم یونانی برپا شد. در این دوره اندیشمندانی همچون فارابی با رویکردی فعال و گزینشی علم را از یونان گرفتند و با پالایش آن فلسفه اسلامی را پی ریختند. در پایان قرون وسطی جهت این جریان تغییر

---

۱. ترنر، ۱۳۷۸، ۲۷.

می‌کند. در این دوره غرب با رویکردی فعال و گزینشی علم را از مسلمانان می‌گیرد و با پالایش آن، علم متجدد را بنیان می‌نهد. سرانجام پس از چند قرن، در عصر ما دوباره این جهت تغییر کرده و شاهد ورود علم از غرب به جوامع اسلامی‌ایم؛ اما این مرحله تفاوت‌های مهمی با مراحل قبل دارد. در این عصر رویکرد ما به این علوم منفعل بود. ما این علوم را گزینش و پالایش نکردیم و این علوم بدون ارزیابی ترجمه شدند به جوامع اسلامی پای گذاشتند و مبانی خود را نیز به عرصه فرهنگ با خود آوردند. این حرکت انفعالی و ناآگاهانه گرفتاری علمی و فرهنگی فراوانی را به وجود آوردند که اندیشمندان مختلف را به طرح آرا متفاوت در مقابل آن واداشته است.

برخی علم را بی‌طرف می‌دانند و خواهان پذیرش علوم غربی‌اند. برخی دیگر علوم غربی را یک‌سر مردود می‌دانند و بازگشت به شیوه سلف صالح را پیشنهاد می‌کنند، و دسته سوم به نقد و بررسی علم جدید، و تلفیق آن با میراث و فرهنگ اسلامی معتقدند. در این میان اسلامی‌سازی علوم با موافقان و مخالفان فراوان، مهم‌ترین این آراست. این نوشتار بدون ورود به این مباحث با مطالعه روش‌شناسی دورکیم، نماینده اثبات‌گرایی، وینچ، نماینده مکتب تفهیمی و علامه طباطبایی، نماینده فلسفه اسلامی، توانایی‌ها، قوت‌ها و ضعف‌های فلسفه اسلامی را در تولید علوم اجتماعی را بررسی می‌کند.

دورکیم با رویکرد طبیعت‌گرایانه و تأثیر شگرف در جامعه‌شناسی به اعتراف بسیاری از جامعه‌شناسان، از مهم‌ترین افرادی است که چهارچوب نظریات جامعه‌شناسی را برپا کرده و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی معاصر است.<sup>۱</sup>

او همچنین در مردم‌شناسی، تاریخ‌شناسی و زبان‌شناسی تأثیر بسزایی داشته است.<sup>۱</sup> وینچ را با رویکرد ضد طبیعت‌گر نقطه مقابل دورکیم است. او در همه مراحل کار به روش تفهیمی وفادار بوده است.

علامه طباطبایی نیز با پیگیری، بررسی و نقد علوم اجتماعی متجدد و مباحث اجتماعی دیدگاهی ارزشمند دارد. گفتنی است مقصود این نوشتار بررسی آثار سه اندیشمند نامبرده است اما به فراخور بحث از اندیشه دیگر متفکران مکاتب فوق نیز بهره برده است. از این رو، با استفاده از روش تطبیقی آرا متفکران نامبرده را درباره مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی بررسی می‌کند و پس از آن، توانایی فلسفه اسلامی را در تولید انواع نظریه‌های اجتماعی ارزیابی می‌کند.